



Identification and Analysis of the Factors Affecting the Improvement of Curriculum Planning Culture in Iran's Higher Education

Mahdi Mahmudi¹, Mozghan Gheisari²

1 Associate Professor, Department of Educational Sciences, Payam-e Noor University, Tehran, Iran; (Corresponding Author), Email: mahmodi86@pnu.ac.ir

2. PhD student, Department of Philosophy of Education, Payam-e Noor University, Tehran, Iran. Email: mj.qeisari@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article Type:
Research Article

Received:
2023.04.01
**Received in
revised form:**
2023.07.15

Accepted:
2023.09.01

**Published
online:**
2023.09.25

Objective: The purpose of this research was to identify and analyze the factors affecting the improvement of curriculum planning culture in Iran's higher education.

Methods: The research is applied in terms of purpose and descriptive-survey in terms of data collection method. The statistical population of the study included: the formal and informal faculty members of the universities of Chaharmahal and Bakhtiari province in the fields of planning, management, educational sciences, psychology and social sciences, whose number was over 78, and among them, using Cochran's formula, 65 Subjects were selected as a sample using stratified random sampling method. The used tool in this research was a researcher-made questionnaire, that was developed based on interviews with relevant experts and a review of theoretical foundations. The validity of the questionnaire was estimated using the Delphi method and the reliability coefficient was estimated 0.949 using the Cronbach's alpha formula. In order to analyze data, SPSS.v16 software was used for descriptive and inferential analysis.

Results: The findings of the research showed that the factors affecting the promotion of curriculum planning culture in higher education can be summarized in five factors, the most important of which are the political factor with an impact share of 34.93% and the economic factor with an impact share of 11.062%. In total, the five factors explain 63.6% of the improvement of curriculum planning culture in higher education.

Conclusion: Paying attention to these factors can provide the possibility of better recognition of strengths and weaknesses as well as threats and opportunities in substantiating the improvement of curriculum planning culture in higher education.

Keywords: Curriculum planning culture, higher education, Chaharmahal and Bakhtiari province.

Cite this article: Mahmudi, mahdi; Gheisari, Mozghan (2023). Identification and Analysis of the Factors Affecting the improvement of Curriculum Planning Culture in Iran's Higher Education (Case study: Universities of Chaharmahal and Bakhtiari Provinc. *Higher Education Letter*, 16 (63):83-104 pages. DOI:10.22034/HEL.2023.708430



© The Author(s).

Publisher: Institute for Research & Planning in Higher Education & National Organization of Educational Testing

شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران

مهدی محمودی^۱، مژگان قیصری^۲

۱. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ (نویسنده مسئول)، رایانامه: Mahmodi86@pnu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری، رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: mj.qeisari@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف: هدف از اجرای این پژوهش، شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران بود.
دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۲	روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش اعضای هیئت علمی رسمی و غیررسمی دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری در رشته‌های برنامه‌ریزی، مدیریت، علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی بودند که تعداد آنها بالغ بر ۷۸ نفر بود و از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۶۵ نفر به عنوان نمونه تعیین و با روش طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق‌ساخته‌ای بود که بر اساس مصاحبه با صاحب‌نظران مرتبط و بررسی مبانی نظری تدوین شد. روایی پرسشنامه با استفاده از روش دلفی و ضریب پایایی با استفاده از فرمول آلفای کرانباخ ۰٫۹۴۹، برآورد شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS.v16 برای تحلیل‌های توصیفی و استنباطی استفاده شد.
اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴	یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی را می‌توان در پنج عامل خلاصه کرد که مهم‌ترین آنها عامل سیاسی با سهم تأثیر ۳۴٫۹۳ درصد و عامل اقتصادی با سهم تأثیر ۱۱٫۰۶۲ درصد هستند. در مجموع پنج عامل مورد نظر ۶۳٫۶ درصد ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی را تبیین می‌کنند.
پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰	نتیجه‌گیری: توجه به این عوامل می‌تواند امکان تشخیص بهتر نقاط قوت و ضعف و همچنین تهدیدها و فرصت‌ها در تحقق ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی را فراهم کند.
انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۳	کلیدواژه‌ها: فرهنگ برنامه‌ریزی درسی، آموزش عالی، استان چهارمحال و بختیاری

استناد: محمودی، مهدی؛ قیصری، مژگان (۱۴۰۲). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران. نامه آموزش عالی، ۱۶(۶۳)، ۸۳-۱۰۴. DOI:10.22034/HEL.2023.708430
ناشر: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و سازمان سنجش آموزش کشور حق مؤلف © نویسندگان.



مقدمه

آموزش عالی یکی از زیرساخت‌های نظام آموزشی هر کشور است که وظیفه آن تربیت نیروی متخصص در حوزه‌های مختلف، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی در حوزه‌های متنوع علم و فناوری به جامعه است (کیایی جمالی و همکاران، ۱۳۹۷). آموزش عالی دارای عناصر متعددی است که یکی از مهم‌ترین آنها برنامه‌های درسی هستند. برنامه درسی را می‌توان محصول فرایند برنامه‌ریزی درسی دانست. برنامه‌های درسی بستر شکل گرفتن مهم‌ترین فرایند نظام دانشگاهی یعنی یادگیری هستند. حسینی لرگانی و یادگارزاده (۱۳۹۹) معتقدند که برنامه درسی همه بخش‌های درگیر دانشگاه با فرایند تدریس و یادگیری و همچنین هدف، طراحی، هدایت و ارزشیابی تجربیات آموزشی را نیز در برمی‌گیرد. آنچه در کارآمدی و اثربخشی برنامه درسی دانشگاهی از نقش حیاتی برخوردار است، مشارکت ذی‌نفعان و به‌ویژه اعضای هیئت علمی در تدوین آن است. اعضای هیئت علمی به علت آشنایی با مسائل و نیازهای دانشجویان و دانشگاه و تجربیات ارزشمندی که در سایه تعامل با یادگیرندگان به دست می‌آورند، مهم‌ترین عنصر در موفقیت برنامه‌ریزی درسی هستند.

در تعریف برنامه‌ریزی درسی می‌توان گفت آن شامل سازمان‌دهی یک سلسله فعالیت‌های یاددهی و یادگیری به‌منظور ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده‌ها و ارزشیابی میزان تحقق این تغییرات است (پارمحمدیان، ۱۳۹۲). فولان و اسمیت^۱ (۱۹۹۹) مطرح کرده‌اند که برنامه‌ریزی درسی در واقع برنامه درسی کتبی را به فعالیت‌های منسجم و تعاملی کلاس تبدیل می‌کند (سبزیان و همکاران، ۲۰۱۳). از دیدگاه یادگیری، مفهوم برنامه‌ریزی درسی را می‌توان تبیین کرد. در واقع، یادگیری نتیجه نهایی و تعامل بسیاری از عوامل در آموزش عالی است که از جمله آنها می‌توان به محتوای آموزشی، روش‌های تدریس، ویژگی‌های دانشجو، ابزار و تجهیزات آموزشی، فضای کلاس و ارزشیابی تحصیلی اشاره کرد. بنابراین می‌توان گفت که یادگیری متغیر پیچیده‌ای است که تحقق صحیح و کامل آن نیاز به هماهنگی و برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده دارد. برنامه‌ریزی درسی وظیفه انجام این هماهنگی‌ها و پیش‌بینی‌ها را بر عهده دارد و سعی در ارائه کارآمدترین برنامه‌های اجرایی برای تسهیل روند یادگیری دارد (چناری و همکاران، ۱۳۹۹). بحث دیگر، در نظر گرفتن برنامه درسی به‌مثابه فرهنگ است؛ برنامه درسی که در دل فرهنگ زاده شده؛ کسب و اجرا می‌شود (اسکندری و همکاران، ۱۳۹۲). اگر بپذیریم که تعلیم و تربیت منتزاع از فرهنگ نیست، ناگزیر باید تصدیق کرد که تعلیم و تربیت در بستر فرهنگی خاص به بار می‌نشیند و آموزش‌های یکسان در بسترهای فرهنگی، نتایج یکسانی به بار نمی‌آورند، یعنی گرچه ممکن است جوامع مختلف متکلفانه به اجرای برخی برنامه‌ها و ارائه برخی آموزش‌ها بپردازند. اما به دلیل اینکه طلب و تعلق خاطر در میان نیست و با جان جامعه یا همان فرهنگ آن هماهنگ نیست، آثار مورد نظر به دست نمی‌آیند و تحقق هدف‌های مورد نظر عملاً با مشکل مواجه شده یا محقق نخواهند شد (معروفی و آداک به

1. Fullan & Smith

نقل از مهر محمدی، ۱۳۸۳). مشارکت و استقبال در پذیرش وظایف در زمینه برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی، ملازم با ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی است که این امر سبب پویایی و کارآمدی نظام آموزش عالی می‌شود. بسیاری از تحقیقات، مشارکت اعضای هیئت علمی را در برنامه‌ریزی درسی امر مهمی می‌دانند، چراکه آنها نزدیک‌ترین افراد به دانشجویان هستند و همچنین معلومات جامع دربارهٔ تدریس و یادگیری به دانشجویان دارند (پورکبریا و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۵۳). ویژگی پویا بودن در فرهنگ مستتر است و فرهنگ به‌طور مداوم نو می‌شود اما به‌طور کامل محو نمی‌شود. باآنکه ویژگی‌های فرهنگی در طول زمان نسبتاً ثابت هستند، اما خود فرهنگ در یک فرایند طولانی و ظریف دستخوش تغییر می‌شود؛ بنابراین فرهنگ برنامه‌ریزی درسی عبارت است از باورها، دانش و آگاهی مفهومی مجریان و سایر عوامل درگیر در برنامه‌ریزی درسی که با تمرکز بر دو حوزه شناختی و رفتاری در سطح آموزش عالی پویایی و توسعه می‌یابد و به‌واسطه مشارکت مستمر و اشتراک‌گذاری، سبب ارتقای آن در میان متخصصان، مدرسان و مدیران آموزش عالی می‌شود. ورود فرهنگ به عرصه تعلیم و تربیت و از جمله برنامه درسی به‌عنوان قلب نظام آموزشی، به این منجر شد که برنامه‌های درسی نه تنها از منظر عناصر آن (هدف، محتوا، روش و ارزشیابی) بلکه به‌صورت مجموعه‌ای از پویایی‌های درهم‌تنیده در نظر گرفته شود. بر این اساس است که از دیدگاه برونر، فرهنگ آئینه توصیف و تفسیر برنامه درسی است و برنامه‌های درسی و کلاس‌های درس همیشه منعکس‌کننده مجموعه‌ای از برنامه‌های آشکار و ارزش‌های فرهنگی است. زیرا استادان و یادگیرندگان آنها با باورها، علایق و انگیزه‌های متفاوتی به کلاس درس می‌آیند. باورها و انگیزه‌های آنان در فرایند آموزش و یادگیری تأثیر شگرفی دارند و فعالیت‌های آموزشی کلاس درس را تا حدود زیادی تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. برای مثال، اینکه دانشجویان با چه پیش‌فرض‌هایی به کلاس درس می‌آیند و استاد توانایی‌های آنها را در فهم مسئله چگونه ارزیابی می‌کند، سؤال‌هایی هستند که پاسخ آنها در فعالیت‌های آموزشی کلاس درس تأثیر زیادی دارد (آیتی و خوش‌دامن، ۱۳۹۱).

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

یکی از مهم‌ترین چالش‌های نظام آموزش عالی در اجرای برنامه درسی، ضرورت تغییر و بهبود برنامه درسی دانشگاه‌ها است تا بتوانند فارغ‌التحصیلانی را تحویل جامعه دهند که پاسخگوی نیازهای جامعه و نهادهای آن باشند و درعین حال از مزایای علمی و فناوری مناسبی بهره‌مند شوند (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۰). شناسایی مؤلفه‌های مربوط به ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه مدیران و متخصصان حوزه آموزش عالی و در مرحله بعد رتبه‌بندی این مؤلفه‌ها مسئله اساسی در این پژوهش است. اینکه چه عواملی در ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی دخیل هستند و نقش هر کدام از این عوامل و متغیرها در رشد فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در میان استادان دانشگاهی به چه صورت است، مسئله‌ای است که باید به‌طور اساسی به آن پرداخته شود.

در این خصوص، مرور یافته‌های برخی پژوهش‌های مرتبط می‌تواند ما را در شناسایی این عوامل و متغیرها یاری کند. از جمله؛ محسن‌پور کبریا و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «شناسایی راهبردهای ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات به تحلیل و شناسایی این راهبردها» دریافتند که مهم‌ترین موارد کاربردی بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی دربرگیرنده آموزش و آگاهی بخشی، درگیر کردن افراد در برنامه‌ریزی درسی، ایجاد مراکزی در زمینه مشاوره برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها، ملاحظه و رعایت اصول اساسی در تدوین برنامه درسی کارآمد، رشد مشارکت در آموزش عالی و بودجه و منابع کافی است. همچنین، زمانی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «شناسایی، تحلیل و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش در آموزش عالی» نشان داد که مؤلفه‌های روش تدریس استاد، سازمان‌دهی محتوای آموزشی، امکانات و تجهیزات دانشکده، وضعیت دانشجو (مکان، زمان و استعداد فردی)، صلاحیت حرفه‌ای استاد (آموزشی و پژوهشی) و فناوری‌های نوین از جمله عوامل تأثیرگذار بر کیفیت برنامه درسی در آموزش عالی هستند.

عبدی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان تبیین برنامه درسی آینده در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴ دریافتند که نتایج حاصل از تبیین هدف و محتوای برنامه درسی آینده نیز نشان داد که برآورده نمودن انتظارات جامعه در صدر اولویت‌های برنامه درسی آینده آموزش عالی از دیدگاه صاحب‌نظران قرار دارد. یکی از منابع عمده در هدف‌گزینی برنامه درسی، توجه به جامعه و نیازهای آن و در نظر گرفتن تغییر و تحولاتی است که در جامعه در حال صورت گرفتن است. برنامه‌ریزان درسی آموزش عالی باید به ایدئولوژی‌ها و جهت‌گیری‌هایی که از سوی سیاست‌گذاران برحسب نیازهای جامعه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و محیطی تعیین می‌شود توجه ویژه‌ای مبذول نموده و هدف‌های برنامه درسی را مشخص نمایند و محتوا را بر اساس آن تدوین کنند. در حقیقت، یکی از ویژگی‌های دانشگاه مدرن، رشد این انتظار است که برنامه درسی باید نسبت به جامعه پاسخگوتر باشد. علاوه بر این، پلویی و فرهادیان (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «مؤلفه‌های تکنولوژی آموزشی در منابع اصلی برنامه‌ریزی درسی» نشان دادند که در مورد هر یک از مؤلفه‌های تکنولوژی آموزشی به برخی از خرده‌مقیاس‌ها همچون خلاصه؛ استفاده از رنگ در عنوان‌ها، متن، تصویر و جلد، محل مناسب قرارگیری مواد دیداری، پرهیز از سوگیری در مواد دیداری در هیچ‌یک از ۹ منبع اصلی برنامه‌ریزی درسی توجه نشده است. همچنین، کاربست سایر خرده‌مقیاس‌ها نیز در منابع اصلی برنامه‌ریزی درسی متفاوت بوده است؛ به طوری که در برخی از منابع به کاررفته‌اند و در برخی دیگر مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. بنابراین، ضرورت بازنگری جدی در زمینه به کارگیری مؤلفه‌های تکنولوژی آموزشی در منابع اصلی برنامه‌ریزی درسی برای چاپ‌های آتی احساس می‌شود.

رحیمی و دهقانی (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «واکاوی ماهیت عناصر الگوی برنامه درسی جامعه‌محور در نظام آموزش عالی بر اساس رویکرد فراترکیب» دریافتند که رسالت عمده نظام آموزش عالی و به تبع آن

مأموریت برنامه‌های درسی در الگوی جامعه‌محور توجه به نیازهای جامعه و خدمت به آن است و بدین ترتیب تمامی کارکردها از جمله انتقال دانش، پژوهش و انجام خدمات نیز زمانی سودمند به نظر می‌رسند که در راستای حل مسائل و چالش‌های جامعه باشند. همچنین تمامی عناصر برنامه درسی با تمرکز بر جامعه، ماهیتی جامعه‌نگر پیدا نموده و آنچه در آنها مورد تأکید قرار می‌گیرد، مناسبت و التزام اجتماعی برنامه‌های درسی نظام آموزش عالی است. به عبارت دیگر، کلیدواژه اصلی و سرفصل تمامی عناصر برنامه درسی جامعه‌محور، در سازگاری نهاد دانشگاه با جامعه است و منظور از جامعه کلیت محیط و جامعه در ابعاد سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی، فناوری و فرهنگی است. همچنین، محمود و برتاگ^۱ (۲۰۱۳) در پژوهش خود دریافتند که بالا بردن شناخت و آگاهی و درک دانش‌جویان و استادان و کارشناسان در مورد فعالیت‌های پژوهشی زمینه‌ساز ارتقای مهارت‌های عملی آنان هست و برعکس. همچنین افزایش مهارت‌های پژوهشی دانش‌جویان و استادان می‌تواند باعث ارتقای مهارت‌های ادراکی آنها در حوزه پژوهش و فرهنگ‌سازی شود. این رشد آگاهی با خود انگیزش و مشارکت دانشگاهیان را به همراه دارد. فیدان و کوک^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «عملکرد سرمایه انسانی در آموزش عالی: با هدف توسعه» دریافتند که سرمایه انسانی، عوامل پشتیبانی و عوامل اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی در توسعه برنامه‌های آموزشی دانشگاه دارند.

چوداری^۳ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر اجرای برنامه درسی در دانشگاه‌ها» دریافت که عوامل مختلفی بر اجرای برنامه درسی تأثیر دارند مانند فراگیران، منابع و امکانات منابع، معلم، محیط مدرسه، فرهنگ و ایدئولوژی، نظارت و ارزیابی آموزشی. آفرما^۴ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «ادغام مؤلفه‌های فرهنگ در برنامه‌ریزی درسی» دریافت که برنامه درسی به عنوان عامل ایجاد دانش، مهارت، ارزش و نگرش به زبان‌آموزان در جهت تغییر رفتارهای آنها برای تبدیل شدن به اعضای عملکردی جامعه نقش مهمی دارد یک برنامه درسی باید مبتنی بر فرهنگ افرادی باشد که از آن برنامه درسی استفاده می‌کنند.

رحمان و الوبی^۵ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «تنوع فرهنگی و برنامه درسی در دانشگاه، چهار کشور آسه آن، مالزی، اندونزی و تایلند» نشان دادند که توجه به پیشینه فرهنگی و سنت‌های فرهنگی از جمله عوامل مؤثر بر برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی است.

پژوهش‌های انجام‌گرفته داخلی و خارجی علاوه بر اینکه نشان می‌دهند عوامل متعددی در ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران دخالت دارند. در عین حال، تأکید دارند که ضعف آموزه‌های برنامه‌ریزی درسی برای عضو هیئت علمی، پیامدهای منفی را در پی خواهد داشت؛ اما در مقابل، چنانچه این آموزه‌ها

1. Mahmud & Bretag
2. Fidan & Koc
3. Chaudhary
4. Offorma
5. Rahman & Alwi

به صورت یک فرهنگ وجود داشته باشند، شاهد یک نظام آموزش عالی پویا و بالنده خواهیم بود. آموزش هیئت علمی در سه حیطه؛ توسعه مهارت‌های آموزش، طراحی بهتر برنامه‌های درسی و تقویت فرهنگ سازمانی معنا می‌شود. با توجه به مباحثی که مطرح شد و از آنجاکه در پژوهش‌های گذشته، شناسایی مؤلفه‌ها و عوامل کاربردی برای ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، پرسش‌های این پژوهش به صورت زیر مطرح شده است:

- ۱- مؤلفه‌های مربوط به ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه مدیران و متخصصان حوزه آموزش عالی کدامند؟
- ۲- رتبه‌بندی مؤلفه‌های مربوط به ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه مدیران و متخصصان حوزه آموزش عالی چگونه است؟
- ۳- تحلیل عوامل اصلی مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه مدیران و متخصصان حوزه آموزش عالی چیست؟

روش پژوهش

در این پژوهش به شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران (مورد مطالعه: دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری) پرداخته شده است. در پژوهش حاضر با مطالعه توصیفی وضع موجود (اعم از نگرش‌ها، عقیده‌ها و رفتارها) تلاش شده تا اطلاعات مورد نیاز به طور مستقیم از گروهی از افراد گردآوری شود (علی‌احمدی و نهایی، ۱۳۹۰، ص ۳۱)، بنابراین پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و از نظر روش اجرا جزء تحقیقات توصیفی-پیمایشی محسوب می‌شود.

جامعه آماری این پژوهش شامل اعضای هیئت علمی رسمی و غیر رسمی دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری در گروه‌های آموزشی مدیریت، علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی هستند که تعداد آنها بالغ بر ۷۸ نفر بوده و از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۶۵ نفر به عنوان نمونه تعیین شدند. علت انتخاب اعضای علمی در گروه‌های آموزشی فوق این بود که با مفهوم برنامه‌ریزی و برنامه‌ریزی درسی آشنایی بیشتری داشتند. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش طبقه‌ای تصادفی بود. بنابراین، ابتدا پاسخگویان به چهار طبقه بر مبنای دانشگاه تقسیم شده و سپس فهرستی از افراد جامعه در آن طبقه تهیه شد. آنگاه با توجه به حجم نمونه تعداد مورد نیاز از هر گروه به طور تصادفی انتخاب شد. در مرحله اول با مرور مبانی نظری و خصوصاً بررسی یافته‌های تحقیقات مرتبط، مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی جمع‌آوری شد و در قالب یک پرسشنامه، تنظیم و با اخذ مجوز از دانشگاه‌ها نسبت به توزیع و تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام شد. پس از گردآوری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS.v16 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که با بهره‌گیری از ابزار تحقیقات مشابه و بررسی مبانی نظری در

دو بخش ویژگی‌های دموگرافیک (تحصیلات، رتبه علمی، سابقه کار و اطلاعات در خصوص برنامه‌ریزی درسی) و گویه‌ها تهیه شد. پرسشنامه مزبور شامل ۴۵ گویه به صورت بسته پاسخ و در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) بود. در نمره‌گذاری به ترتیب نمره‌های ۱ تا ۵ به طیف مزبور تعلق گرفته است. همچنین در انتهای پرسشنامه ضمن تشکر از پاسخگویان از آنها خواسته شد تا چنانچه عاملی که آن را مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی می‌دانند، معرفی کنند. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه با استفاده از روش دلفی (قضاوتی) و پس از ۳ نوبت ارسال برای استادان هیئت علمی منتخب تأمین شد. نحوه انجام این کار به این صورت بود که پرسشنامه به همراه هدف پژوهش در اختیار ۲۰ تن از استادان و کارشناسان مرتبط با حوزه برنامه‌ریزی درسی قرار گرفت و پس از کسب نظرات ایشان و اصلاح چندباره موارد، نسخه نهایی پرسشنامه تهیه شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه‌ها از ضریب پایایی آلفای کرونباخ استفاده شد. بدین ترتیب که پس از تأیید روایی پرسشنامه‌ها در یک مطالعه مقدماتی، پرسشنامه‌های مذکور بر روی ۳۰ نفر از افراد جامعه اجرا و با استفاده از نرم‌افزار SPSS و فرمول آلفای کرونباخ ضریب پایایی ۰,۹۴۹ برآورد شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های فردی - جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان

اطلاعات به دست آمده نشان می‌دهد که از ۶۵ نفر آزمودنی، در زمینه تحصیلات پاسخگویان ۲۹ نفر (۴۴,۶ درصد) پاسخگویان دارای تحصیلاتی در حد فوق لیسانس و ۳۶ نفر (۵۵,۴ درصد) دارای تحصیلاتی در حد دکتری بوده‌اند. در خصوص رتبه علمی پاسخگویان ۱۷ نفر (۲۶,۲ درصد) پاسخگویان در رتبه علمی مربی، ۱۱ نفر (۱۶,۹ درصد) استادیار، ۷ نفر (۱۰,۸ درصد) استاد، ۶ نفر (۹,۲ درصد) دانشیار بوده و ۲۴ نفر (۳۶,۹ درصد) به شکل حق‌التدریس با دانشگاه همکاری داشته‌اند. در زمینه سابقه تدریس پاسخگویان ۲۱ نفر (۳۲,۳ درصد) پاسخگویان دارای سابقه تدریسی در حد ۱ تا ۵ سال، ۱۰ نفر (۱۵,۴ درصد) ۶ تا ۱۰ سال، ۱۱ نفر (۱۶,۹ درصد) ۱۱ تا ۱۵ سال، ۱۳ نفر (۲۰ درصد) ۱۶ تا ۲۰ سال و ۱۰ نفر (۱۵,۴ درصد) ۲۱ سال به بالا سابقه تدریس در دانشگاه داشته‌اند. در خصوص میزان اطلاعات پاسخگویان از برنامه درسی ۲ نفر (۳,۱ درصد) اطلاعات خود را در حد خیلی کم، ۴ نفر (۶,۲ درصد) در حد کم، ۳۷ نفر (۵۶,۹ درصد) در حد متوسط، ۱۴ نفر (۲۱,۵ درصد) در حد زیاد و ۸ نفر (۱۲,۳ درصد) در حد خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند.

پاسخ پرسش اول: مؤلفه‌های مربوط به ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه مدیران و متخصصان حوزه آموزش عالی کدام‌اند؟

به منظور شناسایی و تعیین مؤلفه‌های مربوط به ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه مدیران و متخصصان حوزه آموزش عالی از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. هنگام انجام تحلیل عاملی، ابتدا باید اطمینان حاصل

شود که از داده‌های موجود می‌توان برای تجزیه و تحلیل استفاده کرد. به عبارت دیگر، آیا تعداد داده‌ها (اندازه نمونه و رابطه بین متغیرها) برای تحلیل عاملی مناسب است؟ برای این منظور، از شاخص KMO استفاده شد. این شاخص در محدوده صفر است. اگر مقدار آن کمتر از $0/50$ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین $0/5$ تا $0/69$ باشد، می‌توان تجزیه و تحلیل عامل را با دقت بیشتری انجام داد. اما اگر مقدار بیشتر از $0/70$ باشد، همبستگی بین داده‌ها برای تجزیه و تحلیل مناسب خواهد بود. بر اساس یافته‌های به دست آمده مقدار آماره آزمون KMO برابر با $0/629$ بوده که بزرگ‌تر از $0/5$ است، بنابراین کفایت نمونه‌گیری برای انجام تحلیل عاملی وجود دارد. همچنین از آنجا که سطح معنی‌داری آماره بارتلت برابر با صفر و کمتر از $0/05$ است، ساختار داده‌ها برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی مناسب است. پس کیفیت مدل تأیید می‌شود و داده‌های مربوط به «عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی برای تحلیل عاملی مناسب هستند. در این بررسی پنج عامل با مقادیر خاص بالاتر از یک استخراج شدند و متغیرها بر اساس بار عاملی و پس از چرخش عاملی، در این عوامل دسته‌بندی شدند. در جدول زیر عامل‌ها و مشخصات آنها مشخص شده است.

جدول (۱) عوامل استخراج شده همراه با مقدار ویژه و درصد واریانس آنها

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس
عامل اول	۱۵/۷۲	۳۴/۹۳۴
عامل دوم	۴/۹۷۸	۱۱/۰۶۲
عامل سوم	۳/۰۸۱	۶/۸۴۶
عامل چهارم	۲/۵۲۹	۵/۶۲
عامل پنجم	۲/۳۱۵	۵/۱۴۳

همچنین وضعیت قرارگیری متغیرها در عوامل نام‌گذاری شده به همراه بار عاملی آنها به شرح زیر است:

جدول (۲) گویه‌های مربوط به هر یک از متغیرها و بار عاملی به دست آمده

شماره گویه‌ها	عنوان گویه	بار عاملی	مقدار واریانس
۱	فضای باز سیاسی (استادان بتوانند نظرات خود را به راحتی بیان کنند)	۰,۶۵۱	۳۴,۹۳
۲	مشارکت اعضای هیئت علمی در مسائل سیاسی کشور	۰,۷۰۸	
۳	ایجاد فضای گفتگو در دانشگاه	۰,۷۳	
۵	تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده در خصوص تدوین و بازنگری برنامه درسی در آموزش عالی	۰,۷۵۱	
۶	تسهیل همکاری‌های بین‌المللی با سایر دانشگاه‌ها و امضای توافقتنامه‌های همکاری و اجرایی کردن آنها	۰,۷۸۵	
۷	شناخت سایر نظام‌های آموزش عالی	۰,۷۹۳	
۸	حذف موانع و مشکلات اعزام استادان به فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور (اخذ روادید و پرداخت هزینه‌های مسافرت)	۰,۷۸۷	
۱۰	عمل به تعهد مالی توسط دولت در قبال ارائه خدمات آموزش عالی به جامعه	۰,۵۴۵	
۱۲	حمایت مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی از تحول در برنامه درسی (با تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه)	۰,۵۹	
۴	تأمین منابع مالی در زمینه پژوهش در زمینه برنامه‌ریزی درسی کشور	۰,۵۵۷	
۱۳	نوع نگرش مسئولان نسبت به هزینه‌کرد در آموزش عالی	۰,۶۲۲	
۱۴	تفویض اختیارات و مسئولیت‌ها در زمینه برنامه‌ریزی درسی به‌ویژه در زمینه مالی	۰,۵۶۶	
۱۵	ایجاد انگیزه (مالی) در دانشگاه‌ها به منظور گسترش فرهنگ مشارکت در تحول برنامه درسی	۰,۷۴۹	
۱۶	تقویت ارتباط بین دولت و آموزش عالی و حمایت مالی دولت از آموزش عالی	۰,۶۲	
۱۷	ایجاد هم‌خوانی در راهبردهای آموزش عالی و اجتماعی	۰,۷۳۵	
۱۸	اختصاص بودجه کافی و حمایت مالی دانشگاه‌ها از پروژه‌های برنامه‌ریزی درسی و ایجاد رشته‌ها (تأمین منابع مالی و انسانی موردنیاز)	۰,۵۵۸	
۲۸	استقبال از نوآوری و تغییر (تقویت مراکز رشد) در دانشگاه با حمایت‌های مالی لازم	۰,۵۴۵	
۲۰	بازنگری قوانین و مقررات موجود به‌ویژه در زمینه مالی و تنظیم قوانین و مقررات مالی برای ایجاد انگیزه در اعضای هیئت علمی به منظور درگیر کردن بیشتر آنها در برنامه‌ریزی درسی	۰,۵۵۸	
۲۱	تصمیمات بالادستی (وزارت علوم) در زمینه مالی به منظور ارتقای برنامه درسی	۰,۵۲۴	
۹	ایجاد سیستم نظارتی بر طراحی برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها	۰,۶۵۵	۶,۸۴۶
۱۱	ثبات مدیریتی در دانشگاه‌ها	۰,۵۵۵	
۱۹	قوانین و مقررات اداری دانشگاه (حذف قوانین دست‌وپاگیر)	۰,۵۴۸	
۲۲	ایجاد عدم تمرکز در برنامه‌ریزی درسی (از بین رفتن اثر نهادهای مداخله‌گر زیادی که آنها باید خطوطی تعیین کنند و یک‌سری سیاست‌های کلی ابلاغ کنند)	۰,۴۲۶	
۲۳	کاهش حجم کاری افرادی که درگیر برنامه‌ریزی درسی هستند	۰,۶۶۱	
۲۴	تسریع فرایند بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی	۰,۶۸۸	
۲۵	تقسیم وظایف بین ذی‌نفعان و پرهیز از انحصارطلبی	۰,۷۰۳	
۲۶	تقویت گروه‌های آموزشی هر رشته از لحاظ اجرا و ساختار	۰,۸۰۷	
۲۷	تشکیل قطب‌های علمی (تشکیل شورای مشترکی برای ایجاد زمینه‌های همکاری هرچه بیشتر نظام‌ها در حوزه برنامه‌ریزی درسی)	۰,۶۳۷	
۲۹	پیاده‌سازی مؤلفه‌های فرهنگ قومی در هر ساختار آموزشی	۰,۶۷۲	

مقدار واریانس	بار عاملی	عنوان گویه	شماره گویه‌ها
۵,۶۲	۰,۷۸۲	تحول تدریجی فرهنگ و جو آموزشی و افزایش سهم مثبت مدیریت دانش و تسهیم دانش	۳۰
	۰,۸۵۵	توجه به بسترسازی فرهنگی لازم و کاربست آموزه‌های بهسازی فرهنگ‌های برنامه درسی	۳۱
	۰,۸۲۷	ترویج فرهنگ رقابت سالم در دانشگاه	۳۲
	۰,۷۱۷	تقویت فرهنگ تعامل استاد و دانشجو و توجه به نیازهای دانشجویان	۳۳
	۰,۶۹۴	توجه به زمینه‌سازی فرهنگی لازم و کاربست آموزه‌های بهسازی فرهنگ‌های برنامه درسی	۳۴
	۰,۷۷۱	گسترش نگاه چند رشته‌ای و بین‌رشته‌ای به برنامه درسی در آموزش عالی	۳۵
	۰,۶۸۱	گسترش کار تیمی در بین استادان در زمینه برنامه‌های درسی	۳۶
	۰,۷۹۶	گسترش فرهنگ پژوهش در بین استادان به‌ویژه در زمینه برنامه درسی	۳۷
	۰,۷۲۴	تقویت ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای استادان در زمینه برنامه درسی و تحول در آن	۳۸
۰,۶۸۷	تحول تدریجی فرهنگ و جو آموزشی	۳۹	
۵,۱۴۳	۰,۷۰۷	تسلط و مهارت استاد بر مبانی علمی و هنری تدریس (کیفیت تدریس استادان)	۴۰
	۰,۵۲۵	رشد بینش و آگاهی و خودکارآمدی پژوهشی در استادان	۴۱
	۰,۶۱۲	ایجاد نگرش مثبت نسبت به تحول در برنامه درسی آموزش عالی	۴۲
	۰,۷۹۵	انگیزه‌بخشی و اعطای پاداش به‌منظور فعالیت در برنامه‌ریزی درسی	۴۳
	۰,۶۹۷	ترویج رویکرد علمی به برنامه‌ریزی درسی در استادان	۴۴
	۰,۵۴۲	ارتقای سطح رضایت شغلی در استادان	۴۵

پاسخ پرسش دوم: رتبه‌بندی مؤلفه‌های مربوط به ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه مدیران و متخصصان حوزه آموزش عالی چگونه است؟

جدول (۳) گویه‌ها، عامل و تعداد گویه‌های هر عامل

تعداد گویه‌ها	نام عامل	عنوان گویه	شماره گویه‌ها
۹	عوامل سیاسی	فضای باز سیاسی (استادان بتوانند نظرات خود را به‌راحتی بیان کنند)	۱
		مشارکت اعضای هیئت علمی در مسائل سیاسی کشور	۲
		ایجاد فضای گفتگو در دانشگاه	۳
		تعدد نهادهای تصمیم‌گیرنده در خصوص تدوین و بازنگری برنامه درسی در آموزش عالی	۵
		تسهیل همکاری‌های بین‌المللی با سایر دانشگاه‌ها و امضای توافقنامه‌های همکاری و اجرایی کردن آنها	۶
		شناخت سایر نظام‌های آموزش عالی	۷
		حذف موانع و مشکلات اعزام استادان به فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور (اخذ روادید و پرداخت هزینه‌های مسافرت)	۸
		عمل به تعهدات توسط دولت در قبال ارائه خدمات آموزش عالی به جامعه	۱۰
		حمایت و پشتیبانی از شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی در رابطه با تحول در برنامه درسی (با تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه)	۱۲

شماره گویه‌ها	عنوان گویه	نام عامل	تعداد گویه‌ها
۴	تأمین منابع مالی در زمینه پژوهش در زمینه برنامه‌ریزی درسی کشور	عوامل اقتصادی	۱۰
۱۳	نوع نگرش مسئولان نسبت به هزینه‌کرد در آموزش عالی		
۱۴	تفویض اختیارات و مسئولیت‌ها در زمینه برنامه‌ریزی درسی به‌ویژه در زمینه مالی		
۱۵	ایجاد انگیزه (مالی) در دانشگاه‌ها به‌منظور گسترش فرهنگ مشارکت در تحول برنامه درسی		
۱۶	تقویت ارتباط بین دولت و آموزش عالی و حمایت دولت از آموزش عالی		
۱۷	ایجاد همخوانی راهبردهای آموزش عالی و اجتماعی		
۱۸	اختصاص بودجه کافی و حمایت مالی دانشگاه‌ها از پروژه‌های برنامه‌ریزی درسی و ایجاد رشته‌ها (تأمین منابع مالی و انسانی مورد نیاز)		
۲۸	استقبال از نوآوری و تغییر (رشد نوآوری و خلاقیت در محیط دانشگاه) در دانشگاه		
۲۰	تنظیم قوانین و مقررات مالی برای ایجاد انگیزه در اعضای هیئت علمی به‌منظور درگیر کردن بیشتر آنها در برنامه‌ریزی درسی		
۲۱	تصمیمات بالادستی (وزارت علوم) در زمینه مالی به‌منظور ارتقای برنامه درسی		
۹	ایجاد سیستم نظارتی بر طراحی برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها	عوامل مدیریتی	۱۰
۱۱	ثبات مدیریتی در دانشگاه‌ها		
۱۹	قوانین و مقررات دانشگاه (حذف قوانین دست‌وپاگیر)		
۲۲	ایجاد عدم تمرکز در برنامه‌ریزی درسی (از بین رفتن اثر نهادهای مداخله‌گر زیادی که آنها باید خطوطی تعیین کنند و یک سری سیاست‌های کلی ابلاغ کنند)		
۲۳	کاهش حجم کاری افرادی که درگیر برنامه‌ریزی درسی هستند		
۲۴	تسریع فرایند بازنگری و اصلاح برنامه‌های درسی		
۲۵	تقسیم وظایف بین ذی‌نفعان و پرهیز از انحصارطلبی		
۲۶	تقویت گروه‌های آموزشی هر رشته از لحاظ اجرا و ساختار		
۲۷	تشکیل قطب‌های علمی (تشکیل شورای مشترکی برای ایجاد زمینه‌های همکاری هرچه بیشتر نظام‌ها در حوزه برنامه‌ریزی درسی)		
۲۹	پیاپی‌سازی مؤلفه‌های فرهنگ قومی در هر ساختار آموزشی		
۳۰	تحول تدریجی فرهنگ و جو آموزشی و افزایش سهم مثبت مدیریت دانش و تسهیم دانش	عوامل فرهنگی	۱۰
۳۱	توجه به بسترسازی فرهنگی لازم و کاربست آموزه‌های بهسازی فرهنگ‌های برنامه درسی		
۳۲	ترویج فرهنگ رقابت سالم در دانشگاه		
۳۳	تقویت فرهنگ تعامل استاد و دانشجو و توجه به نیازهای دانشجویان		
۳۴	توجه به زمینه‌سازی فرهنگی لازم و کاربست آموزه‌های بهسازی فرهنگ‌های برنامه درسی		
۳۵	گسترش نگاه چندرشته‌ای و بین‌رشته‌ای به برنامه درسی در آموزش عالی		
۳۶	گسترش کار تیمی در بین استادان در زمینه برنامه‌های درسی		
۳۷	گسترش فرهنگ پژوهش در بین استادان به‌ویژه در زمینه برنامه درسی		
۳۸	تقویت ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورها در استادان در زمینه برنامه درسی و تحول در آن		
۳۹	تحول تدریجی فرهنگ و جو آموزشی		

شماره گویه‌ها	عنوان گویه	نام عامل	تعداد گویه‌ها
۴۰	تسلط و مهارت استاد بر مبانی علمی و هنری تدریس (کیفیت تدریس استادان)	عوامل انسانی (استادان)	۶
۴۱	رشد بینش و آگاهی و خودکارآمدی پژوهشی در استادان		
۴۲	ایجاد نگرش مثبت نسبت به تحول در برنامه درسی آموزش عالی		
۴۳	انگیزه بخشی و اعطای پاداش به منظور فعالیت در برنامه‌ریزی درسی		
۴۴	ترویج رویکرد علمی به برنامه‌ریزی درسی در استادان		
۴۵	ارتقای سطح رضایت شغلی در استادان		

داده‌های جدول بالا نتایج تحلیل عاملی اکتشافی را نشان می‌دهد. با توجه به نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی، روی ۴۵ گویه مربوط به «ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی»، ۵ عامل به‌عنوان عامل‌های اصلی شناسایی شده‌اند. از آنجا که متغیرهای دارای همبستگی بیشتر با هریک از عامل‌ها در عامل مورد نظر قرار می‌گیرند، بنابراین ۴۵ گویه مربوط به «ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی» دسته‌بندی شدند. در خصوص عوامل مؤثر بر «ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی» عامل سیاسی ۳۴٫۹۳ درصد؛ عامل اقتصادی ۱۱٫۰۶۲ درصد، عامل مدیریت ۶٫۸۴۶ درصد، عامل فرهنگی ۵٫۶۲ درصد و عامل انسانی ۵٫۱۴۳ درصد از واریانس «ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی» را تبیین می‌کنند. در مجموع این پنج عامل حدود ۶۳٫۶۰۵ درصد ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی را تبیین می‌کنند. در بین این عوامل، نقش عامل سیاسی با ۳۴٫۹۳ درصد بیشترین و نقش عوامل انسانی با ۵٫۱۴۳ درصد کمترین واریانس را به خود اختصاص داده‌اند.

پاسخ پرسش سوم: تحلیل عوامل اصلی مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه مدیران و متخصصان حوزه آموزش عالی کدامند؟

در مجموع ۴۵ گویه مربوط به «ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی»، ۵ عامل به‌عنوان عامل‌های اصلی شناسایی شده‌اند. عامل اول یا سیاسی دارای ۹ گویه است. عامل دوم یا اقتصادی دارای ۱۰ گویه است. عامل سوم که همان مدیریت است ۱۰ گویه را شامل می‌شود. عامل چهارم یا همان فرهنگی هم شامل ۱۰ گویه است و آخرین عامل یا همان عامل (انسانی) استادان شامل ۶ گویه است. اما در مورد درصدها می‌توان گفت در مجموع این پنج عامل حدود ۶۳٫۶۰۵ درصد ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی را تبیین می‌کنند. در این عوامل نقش‌ها به شکل زیر است:

۱- عامل سیاسی ۳۴٫۹۳ درصد؛ ۲- عامل اقتصادی ۱۱٫۰۶۲ درصد؛ ۳- عامل مدیریت ۶٫۸۴۶ درصد؛ ۴- عامل فرهنگی ۵٫۶۲ درصد؛ ۵- عامل انسانی ۵٫۱۴۳ درصد.

بحث

در نظام‌های آموزشی که از مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین نظام هر کشور برای تربیت سرمایه‌های انسانی و توسعه همه‌جانبه و پایدار محسوب می‌شوند، جامع‌نگری و مواجهه همه‌جانبه، دقیق و عمیق با پدیده برنامه‌ریزی درسی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. در تدوین برنامه درسی کارآمد و اثربخش که آن را محصول برنامه‌ریزی درسی می‌دانند، آنچه بیش از هر چیز ضروری و حیاتی به نظر می‌رسد، ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن است. این امر پویایی و کارآمدی نظام آموزش عالی را سبب شده و زمینه توسعه در دانشگاه را فراهم خواهد کرد. بر همین اساس، هدف از اجرای این پژوهش شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی ایران بود. پژوهش از نوع کاربردی و روش گردآوری داده‌ها توصیفی-پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش همه اعضای هیئت‌علمی رسمی و غیررسمی دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری در گروه‌های آموزشی مدیریت، علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی بودند که تعداد آنها بالغ بر ۷۸ نفر بود و از بین آنها با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۶۵ نفر به‌عنوان نمونه، تعیین و با روش تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته با ۴۵ گویه بود که شاخص‌های روان‌سنجی از جمله روایی و پایایی برای آن تأمین شد.

پس از بررسی مقدمات آزمون تحلیل عاملی و مناسب بودن مدل برای انجام تحلیل عاملی اکتشافی یافته‌های حاصل نشان داد که به ترتیب پنج عامل سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی و انسانی در ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی مؤثر بوده‌اند. در خصوص عامل اول که عامل سیاسی است می‌توان گفت این عامل از دیدگاه پاسخگویان ۹ مؤلفه (گویه) از ۴۵ مؤلفه را شامل می‌شود. همچنین این عامل بالاترین واریانس تبیین برابر ۳۴٫۹۳ را در بین عوامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه درسی به خود اختصاص داده است. در بین مؤلفه‌های مربوط به این عامل «شناخت سایر نظام‌های آموزش عالی»، «حذف موانع و مشکلات اعزام استادان به فرصت‌های مطالعاتی خارج از کشور» و «تسهیل همکاری‌های بین‌المللی با سایر دانشگاه‌ها» بالاترین بارهای عاملی را به خود اختصاص داد و «عمل به تعهد مالی توسط دولت در قبال ارائه خدمات آموزش عالی به جامعه»، «حمایت مالی شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی از تحول در برنامه درسی» و «فضای باز سیاسی» از جمله مواردی هستند که کمترین بار عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. این یافته پژوهش با یافته‌های صفایی موحد و باوفا (۱۳۹۱)، مرزوقی و امینی (۱۳۹۴)، کاویانی و نصر (۱۳۹۵)، عبدی و همکاران (۱۳۹۶)، رحیمی و دهقانی (۱۳۹۹) و اتونگا و نیاندوسی (۲۰۰۹) همخوانی دارد. حضور نهادهای سیاسی در دانشگاه، ارتباطات و بازی‌های سیاسی، بین‌المللی‌سازی برنامه درسی، جهت‌گیری‌هایی که از سوی سیاست‌گذاران بر حسب نیازهای جامعه در زمینه‌های سیاسی صورت می‌گیرد و شکل‌گیری تمامی عناصر برنامه درسی جامعه‌محور، مواردی هستند که در سازگاری نهاد دانشگاه با جامعه در بعد سیاسی مؤثر هستند و در تحقیقات این محققان بدان

اشاره شده است. همچنین، یافته‌های خسروی و همکاران^۱ (۲۰۱۳) و کنگ و همکاران^۲ (۲۰۰۵) از این یافته تحقیق حمایت می‌کند. این پژوهشگران بر نقش فضای سیاسی بر برنامه‌های درسی و عملکرد سرمایه انسانی در آموزش عالی تأکید داشتند.

عامل دوم به‌دست‌آمده از یافته‌های این پژوهش که بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری مؤثر شناخته شده است، عامل اقتصادی است. ۱۰ گویه از ۴۵ گویه در زیرمجموعه عامل اقتصادی قرار گرفته است. این عامل رتبه دوم را در تبیین ارتقای فرهنگ برنامه درسی به خود اختصاص داده است. مؤلفه‌هایی چون «ایجاد انگیزه (مالی) در دانشگاه‌ها به منظور گسترش فرهنگ مشارکت در تحول برنامه درسی»، «ایجاد همخوانی در راهبردهای آموزش عالی و اجتماعی» و «نوع نگرش مسئولان نسبت به هزینه‌کرد در آموزش عالی» از جمله مواردی هستند که بالاترین بار عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. «تصمیمات بالادستی (وزارت علوم) در زمینه مالی به منظور ارتقای برنامه درسی» و «استقبال از نوآوری و تغییر (تقویت مراکز رشد) در دانشگاه با حمایت‌های مالی لازم» کمترین بار عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های بریمانی و همکاران (۱۳۹۰)، مؤمنی مهموئی و همکاران (۱۳۹۲)، زمانی (۱۳۹۶)، محسن پور کبریا و همکاران (۱۳۹۶)، اتونگا و نیاندوسی^۳ (۲۰۰۹)، آبودا^۴ (۲۰۱۵)، چوداری (۲۰۱۵) فیدان و کوک (۲۰۱۹) که بر نقش حمایت مالی دولت و زمینه اقتصادی بر برنامه‌های آموزشی و برنامه‌های درسی تأکید داشتند، همخوانی دارد. وجود امکانات و تجهیزات لازم و اختصاص بودجه کافی به دانشکده‌ها برای ایجاد تغییرات در برنامه درسی و در مجموع پشتیبانی مالی برنامه‌هایی که به ارتقای فرهنگ برنامه درسی در دانشگاه منجر می‌شود، می‌تواند نقش مهمی در تغییر و پویایی برنامه درسی دانشگاه داشته باشد. لازمه اجرای هر برنامه‌ای، پشتیبانی و حمایت از آن برنامه به‌ویژه در بعد مالی است. مدیران نظام آموزش عالی اگر واقعاً تصمیم به ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی دارند باید در این خصوص برنامه‌ریزی نموده و چالش‌ها و مشکلات به‌ویژه مشکلات مالی که در زمینه ارتقای فرهنگ برنامه درسی وجود دارد را شناسایی و برطرف کنند. تنها در این صورت است که تغییر و تحول برنامه درسی امکان‌پذیر خواهد بود. بر اساس یافته‌های پژوهش از دیدگاه پاسخگویان، سومین عامل مؤثر بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه عامل مدیریتی است. ۱۰ مؤلفه از ۴۵ مؤلفه (گویه) در زیرمجموعه عامل مدیریتی قرار گرفته است و این عامل ۶٫۸۴۶ واریانس مربوط به ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی را تبیین می‌کند. «تقویت گروه‌های آموزشی هر رشته از لحاظ اجرا و ساختار»، «تقسیم وظایف بین ذی‌نفعان و پرهیز از انحصارطلبی» و «تسریع فرایند بازننگری و اصلاح برنامه‌های درسی» بالاترین بارهای عاملی را به خود اختصاص داده‌اند و «ایجاد عدم

1. Khosravi et al

2. Cleqq et al

3. Otunga & Nyandusi

4. Abudu

تمرکز در برنامه‌ریزی درسی (از بین رفتن اثر نهادهای مداخله‌گر زیادی که آنها باید خطوطی تعیین کنند و یک سری سیاست‌های کلی ابلغ کنند) و «قوانین و مقررات اداری دانشگاه (حذف قوانین دست‌وپاگیر)» از جمله مؤلفه‌هایی هستند که کمترین بار عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های مؤمنی مهموئی و فتحی و اجارگاه (۱۳۸۴)، بریمانی و همکاران (۱۳۹۰)، مرزوقی و امینی (۱۳۹۴)، بینش و همکاران (۱۳۹۵)، محسن‌پور کبریا و همکاران (۱۳۹۶)، عبدی و همکاران (۱۳۹۶)، زمانی (۱۳۹۶)، چوداری (۲۰۱۵)، فیدان و کوک (۲۰۱۹) همخوانی دارد. این محققان بر تفویض اختیار، مشارکت و تسهیم دانش میان استادان و کارکنان دانشگاه تأکید داشتند و آن را عاملی مؤثر در تسهیل کیفیت برنامه‌های درسی می‌دانستند. در زمینه مشارکت اعضای هیئت علمی در برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته است. آنچه در کارآمدی و اثربخشی برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی از نقش حیاتی برخوردار است؛ ایجاد مراکزی در زمینه مشاوره برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها، مشارکت ذی‌نفعان و به‌ویژه اعضای هیئت علمی در تدوین آن است. اعضای هیئت علمی به علت آشنایی با مسائل و نیازهای دانشجویان و دانشگاه و تجربیات ارزشمندی که در سایه تعامل با یادگیرندگان به دست می‌آورند، مهم‌ترین عنصر در موفقیت برنامه درسی هستند. این تعامل در سایه نگرش و تصمیمات مدیران نسبت به تحول برنامه درسی و بهینه‌سازی آن صورت می‌گیرد. مدیران به‌عنوان سکان‌داران سازمان‌ها نقش مهمی را در سازمان‌ها دارا هستند. آنان به‌عنوان عنصر حیات‌بخش سازمان تلقی شده و تصمیمات آنها نقش مهمی در عملکرد سازمان دارد. به‌گونه‌ای که هم می‌تواند موجب ارتقای سازمان و رشد و تعالی آن شده و رضایت ارباب‌رجوع را فراهم آورد و هم می‌تواند موجبات رکود سازمان، عدم رضایت شغلی و بدبینی سازمان در کارکنان شده و نارضایتی را برای ارباب‌رجوع به همراه داشته باشد. رشد و تعالی سازمان تابعی از تصمیمات مدیران سازمان‌هاست. در نظام آموزش عالی هم مدیران با تصمیمات به‌موقع و اصولی خود زمینه فرهنگ برنامه درسی را فراهم می‌نمایند. چهارمین عامل مؤثر عامل فرهنگی است. این عامل با ۱۰ گویه ۵,۶۲ درصد از واریانس ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی را تبیین می‌نماید. در این عامل «توجه به بسترسازی فرهنگی لازم و کاربست آموزه‌های بهسازی فرهنگ‌های برنامه درسی»، «ترویج فرهنگ رقابت سالم در دانشگاه» و «تحول تدریجی فرهنگ و جو آموزشی» بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده‌اند و «توجه به زمینه‌سازی فرهنگی لازم و کاربست آموزه‌های بهسازی فرهنگ‌های برنامه درسی» و «گسترش کار تیمی در بین استادان در زمینه برنامه‌های درسی» دارای کمترین بار عاملی بوده‌اند. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های بریمانی و همکاران (۱۳۹۰)، صفایی موحد و باوفا (۱۳۹۱)، کاویانی و نصر (۱۳۹۵)، رحیمی و دهقانی (۱۳۹۹)، اتونگا و نیاندوسی (۲۰۰۹)، چوداری (۲۰۱۵)، آفرما (۲۰۱۶)، رحمان و الوبی (۲۰۱۸)، فیدان و کوک (۲۰۱۹) همخوانی دارد. وضعیت دانشجو و هیئت علمی، تنوع قومی و طبقاتی، جایگاه متفاوت رشته‌های دانشگاهی، پایگاه اجتماعی مؤسسات، سیاست‌های قومی و گفتمان علم‌اندوزی

از جمله مواردی هستند که در پژوهش‌های این محققان بدان‌ها اشاره شده است. استانی دیویس معتقد است انسان‌هایی که در یک نظام اجتماعی کوچک یا بزرگ زندگی می‌کنند دارای باورها، اعتقادات، ارزش‌ها، سنت‌ها و هنجارهای مشترکی هستند که در مجموع فرهنگ آن نظام اجتماعی را تشکیل می‌دهند. فرهنگ؛ رفتار، نگرش و ارزش‌های انسان را شکل می‌دهد. رفتار انسان از فرایند جامعه‌پذیری ناشی شده و جامعه‌پذیری همواره درون بافت معین محیط‌های فرهنگی و قومی رخ می‌دهد که به تناسب، این محیط‌های فرهنگی و قومی نیز بر فرایند آموزش تأثیر می‌گذارند. به زعم استیگر و هیبرت (۱۹۹۹) تدریس و یادگیری، فرایندهای فرهنگی هستند که در بافت اجتماع رخ می‌دهند. برای اینکه بتوان حداکثر آموزش کیفی را ارائه داد باید فرهنگ اجتماعی با آموزش ارتباط داشته باشد. منظور از فرهنگ برنامه درسی به طرز تلقی، ارزش‌ها و هنجارهای تخصصی حاکم بر رفتار تدوین‌کنندگان و مجریان برنامه درسی اطلاق می‌شود. ودل^۱ (۲۰۰۹) معتقد بود که تغییر در برنامه درسی نیازمند تغییرات فرهنگی عمده است. به کارگیری نوآوری توسط معلمان با فرهنگ موجود امکان‌پذیر نخواهد بود؛ بنابراین برنامه‌های مقطعی کوتاه‌مدت مؤثر نیست، از این رو باید برنامه مستمر توسعه‌ای را برای آنها طراحی کرد. آخرین عامل مؤثر، عامل انسانی با مقدار واریانس ۵,۶۲ بود که در قالب ۶ گویه است. «انگیزه بخشی و اعطای پاداش به منظور فعالیت در برنامه‌ریزی درسی» و «تسلط و مهارت استاد بر مبانی علمی و هنری تدریس (کیفیت تدریس استادان)» بیشترین بار عاملی و «رشد بینش و آگاهی و خودکارآمدی پژوهشی در استادان» و «ارتقای سطح رضایت شغلی در استادان» کمترین بار عاملی را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های این بخش از پژوهش با یافته‌های بریمانی و همکاران (۱۳۹۰)، صفایی موحد و باوفا (۱۳۹۱)، محسن‌پور کبریا و همکاران (۱۳۹۶)، آبودا (۲۰۱۵) و چوداری (۲۰۱۵) همخوانی دارد. همچنین، جیمز^۲ (۲۰۱۱) و فرد و همکاران^۳ (۲۰۱۰) اظهار داشته‌اند که توانمندی، استعداد، خلاقیت و ویژگی‌های فردی در زمینه ارتقای فرهنگ برنامه‌های درسی نقش میانجی مهمی دارد و چه بسا حتی اگر در یک نهاد آموزشی و دانشگاهی امکانات فنی و تکنیکی لازم باشد ولی نیروی انسانی توانمند وجود نداشته باشد، این سرمایه به هدر می‌رود و حتی ممکن است اثر معکوس داشته باشد. ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی پیامدهای مثبتی را به همراه خواهد داشت که کارآمدی آموزش عالی را تضمین می‌کند. مشارکت در تدوین برنامه درسی دانشگاهی سبب می‌شود که دیدگاه‌های افراد به یکدیگر نزدیک‌تر شود و نوعی تعهد برای تحقق هدف‌های برنامه درسی و اجرای اثربخش آن در متولیان و متصدیان و ذی‌نفعان آموزش عالی شکل گیرد. زمانی می‌توان در ارتقای فرهنگ برنامه درسی دانشگاه موفق عمل کرد که استادان دانشگاه‌ها درک و باور عمیقی از مشارکت در تدوین برنامه درسی، نقش و جایگاه آن و نحوه طراحی علمی برنامه درسی داشته و در تدوین و بهینه‌سازی آن

1. Wedell
2. James
3. Fred et al

مشارکت داشته باشند. در غیر این صورت، نمی‌توان انتظار داشت تا برنامه‌ها به‌درستی و در چارچوب انتظارات و توقعات اجرا شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش و همچنین با در نظر گرفتن نقش هر کدام از عوامل در تبیین فرهنگ برنامه‌ریزی درسی پیشنهادهایی قابل ارائه است. در مورد عامل سیاسی می‌توان گفت: الف) توجه مدیران و مسئولان دولتی به استفاده بیشتر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در عرصه برنامه‌ریزی و خصوصاً برنامه‌ریزی آموزشی، با توجه به دانش و تخصص آنها؛ ب) بازنگری نهادهای تصمیم‌گیرنده در خصوص برنامه‌ریزی درسی دانشگاه و ادغام سازمان‌های موازی؛ ج) استفاده از ظرفیت بخش خصوصی (به‌خصوص صنعت) در رابطه با تدوین و ارتقای برنامه‌ریزی در آموزش عالی و امضای تفاهم‌نامه‌هایی مبنی بر همکاری بخش صنعت در تدوین برنامه درسی دانشگاه از جمله آنهاست.

در مورد عامل اقتصادی می‌توان گفت: الف) توجه بیشتر به مبحث پژوهش در دانشگاه و عملیاتی نمودن بودجه‌های پژوهش در دانشگاه، بازنگری قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های پژوهشی دست و پاگیر؛ ب) ایجاد انگیزه در استادان و مسئولان دانشگاه برای مشارکت بیشتر در تحول برنامه‌ریزی درسی با تخصیص اعتبار و پرداخت حق‌الزحمه‌های لازم؛ ج) تشکیل کمیته‌ای از افراد متخصص و صاحب‌نظر در زمینه تحول در برنامه درسی آموزش عالی و انجام فعالیت‌های متعدد مطالعاتی و آموزشی به‌منظور تحول در برنامه درسی آموزش عالی؛ د) بیان مشکلات و مسائل آموزش عالی در جلسات حضوری با کارکنان و اعضای هیئت علمی (شفاف‌سازی) و استقبال از طرح‌ها و ایده‌های نو و جدید در حیطه‌ها مختلف به‌ویژه برنامه‌ریزی درسی، می‌تواند در ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی نظام آموزش عالی کشور بسیار مؤثر باشد.

در مورد سومین عامل که عامل مدیریتی است، پیشنهاد می‌شود: الف) تقویت سیستم نظارت بر تدوین و تحول برنامه‌ریزی درسی (تشکیل کمیته نظارت بر برنامه‌ریزی درسی)؛ ب) مطالعه فرایند کار برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه و شناسایی مشکلات و مسائل این حیطه و برنامه‌ریزی به‌منظور رفع آنها به‌ویژه در حیطه قوانین و مقررات؛ ج) ایجاد تسهیلات برای اعضای هیئت علمی که در زمینه برنامه درسی نیز فعال‌اند (کسر ساعات کاری، اعطای مشوق‌های مالی و معنوی). د) ایجاد زمینه حضور همه اعضای هیئت علمی در تدوین برنامه و تحول برنامه درسی با اجرای فراخوان در زمینه تحول در برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه؛ ذ) تقویت گروه‌های درسی با تنظیم ساختار، تصویب قوانین در حمایت از گروه‌های درسی و پشتیبانی از مصوبات گروه‌های درسی در ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی مؤثر هستند.

در مورد عوامل فرهنگی هم پیشنهاد می‌شود: الف) برگزاری فراخوان‌هایی با محوریت فرهنگ و برنامه‌ریزی

درسی در آموزش عالی؛ ب) تشکیل جلسات هم‌اندیشی بین استادان دانشگاه‌های مختلف به‌منظور تقویت ارزش‌ها، نگرش‌ها و باورهای استادان در زمینه فرهنگ برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه‌ها؛ ج) برنامه‌ریزی به‌منظور تعامل هرچه بیشتر استاد و دانشجو (برگزاری جلسات دوستانه و تعاملی، استفاده از شیوه‌های تدریس کارگاهی)؛ د) تقویت فرهنگ رقابتی در بین استادان و دانشجویان (اعطای تشویقات به دانشجویان، اعطای امتیازات به‌منظور ارتقای شغلی استادان، فرصت‌های مطالعات و ...) راهکارهای مؤثری برای ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی هستند.

و در خصوص آخرین عامل که عامل انسانی است، پیشنهاد می‌شود: الف) برگزاری دوره‌های آموزش ویژه استادان به‌منظور آشنایی هرچه بیشتر آنان با حوزه برنامه‌ریزی درسی و تولید محتوای آموزشی؛ ب) توجه به سطح رضایت شغلی استادان و برنامه‌ریزی به‌منظور ارتقای آن؛ ج) شناسایی استادان فعال در حوزه برنامه درسی (هرساله) و تشویق و تقدیر از آنان؛ د) بررسی میزان مشارکت استادان دانشگاه‌ها در ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی و عوامل مرتبط با آن؛ ذ) ارزیابی سیاست‌های وزارت علوم در ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی مواردی هستند که می‌توان از طریق آنها بر ارتقای فرهنگ برنامه‌ریزی درسی تأکید کرد.

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله از اعضای هیئت علمی رسمی و غیر رسمی دانشگاه‌های استان چهارمحال و بختیاری در گروه‌های آموزشی مدیریت، علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی که با مشارکت خود در پژوهش، امکان انجام آن را فراهم ساختند سپاسگزاری می‌شود.

References

- Abdi, H., Mirshah Jafari, I., Nili, M., & Rajaipour, S. (2018). An Explanation of the Future Curricula toward Realizing the Visions and Missions of Iranian Higher Education in Horizon of 2025. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 8(16), 59-88. [Persian]
- Abudu, A. M. (2015). Basic School, Teachers' perceptions about curriculum design in Ghana. *Int. J. Educ. Stud*, 02(02), 59-69.
- Aiati, M., & Khoshdaman, S. (2011). Culture, curriculum and teaching and learning styles. *Curriculum Studies*, 7(26), 149-172. [Persian]
- Baremani, A., Salehi, M., & Sadeghi, M. (2011). Factors affecting quality of higher education from the perspective of students at this stage. *Educational Researches*, 6(26), 1-24. [Persian]
- Binesh, M., Bakhtiari Findri, M., & Qari, M. (2015). The goals and necessity of curriculum evaluation and its models. *Quarterly Journal of Psychological Studies & Educational Sciences*,

- 8(2), 201-215. [Persian]
- Chaudhary, G. K. (2015). Factors affecting curriculum implementation for students. *International Journal of Applied Research*, 1(12), 984-986.
- Chanari, Z., Bahmaei, L., & Barakat, G. (2021). Presenting a Model to Measure the Educational Quality in Elementary Schools: A Case Study of Andimeshk City. *Journal of Instruction & Evaluation*, 13(52), 161-185. doi: 10.30495/jinev.2021.680687. [Persian]
- Cleqq, S. R., Kornberger, M., & Pitsis, T. (2005). *Managing & organizations: An introduction to theory & practice book*. Sydney.
- Fathi Vajargah, K. (2013). *Principles of curriculum planning*, Iranzmin publisher. [Persian]
- Fathi-vajargah, K., & Momeni Mahmoie, H. (2008). Investigating the Role of Factors Affecting the Participation of Faculty Members in the Academic Planning. *Iranian Higher Education*, 1(1), 139-165. [Persian]
- Fathi Vajargah, K. & Momeni Mahmoudi, H. (2018). Examining the role of effective factors on the participation of faculty members in university curriculum planning. *Iranian Higher Education*, 1(1), 139-165. [Persian]
- Fidan, T., & Koc, M. H. (2019). Human Capital Formation Function of Higher Education: A Scale Development Study. *Uluslararası Güncel Eğitim Araştırmaları Dergisi*, 5(2), 146-162.
- Fred, R. D., Meredith, E. D., & Forest, R. D. (2010). What are business schools doing for business today?. *Business Horizons*, 54(1), 51-62.
- Fullan, M., & Smith, G. (1999). *Technology and the problem of change*.
- Hosseini Largani, S. M., & yadegarzadeh, R. (2021). University Curriculum Development Models in Higher Education: A Proposed Model for Higher Education in Iran. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 11(22), 49-88. [Persian]
- James, C. H. (2011). Where were the auditors? Using AAERs in introductory or advanced auditing courses. *Journal of Accounting Education*, 28(2), 114-127.
- Kaviani, H., & Nasr, A. (2016). The Research Synthesis of Challenges in Curriculum of Higher Education in the Recent Decades and Potential Solutions. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 7(13), 7-34.
- Khosravi, M., Fathi Vajargah, K., Maleki, H., & Norouzi, D. (2013). An analysis of acceptance of curriculum innovations in the higher education system: A case study of the Iranian university curriculum revision. *Quarterly Educational Psychology*, 9(27), 135-166. [Persian]
- Kiaee Jamali, S. M., Fathi Vajargah, K., Mosapoor, N., & Khorasani, A. (2018). Study of Cur-

- riculum Orientation in the Concentration Period in Iran's Higher Education System. *Journal of Management & Planning In Educational System*, 11(1), 159-184.
- Lawrence, S. (2003). Exporting culture: Archaeology and the nineteenth-century British Empire. *Historical Archaeology*, 37(1), 20-33.
- Maroufi, Y., & Adak, M. (2015). Cultural understanding of the curriculum, conference of the Iranian Curriculum Studies Association, 14th session. [Persian]
- Mahmud, S., & Bretag, T. (2013). Postgraduate research students and academic integrity: 'It's about good research training'. *Journal of Higher Education Policy & Management*, 35(4), 432-443.
- Marzuqi, R., & Amini, M. (2015). Identification of Constructive Factors of University Implicit Curriculum through Confirmatory Factor Analysis. *Strategy for Culture*, 8(31), 155-172. [Persian]
- Mehrmohammadi, M. (2013). *Education, culture. Globalization. The first conference on globalization and education*. Academic Jihad, Tehran Branch (Research Department of Educational Sciences), Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran. [Persian]
- Mohsenpour Kebriya, H., Fathi Vajargah, K., Arefi, M., & Khorasani, A. (2023). Developing a model for promotion of curriculum design culture in Iran's higher education based on grounded theory approach. *Quarterly Journal of Research & Planning in Higher Education*, 23(3), 71-98. [Persian]
- Mohsenpour Kebriya, H., Fathi Vajargah, K., Arefi, M., & Khorasani, A. (2018). Identifying strategies to promote the culture of curriculum planning in universities and higher education institutions of Iran. *Bi-Quarterly Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 8(16), 35-58. [Persian]
- Mohsenpour Kebriya, H., Fathi Vajargah, K., Arefi, M., & Khorasani, A. (2018). Explaining the Consequences of Promoting the Culture of Curriculum Development in Universities and Higher Education Institutions. *Research in Curriculum Planning*, 14(55), 52-66. [Persian]
- Momeni Mehmoui, H., Karsheki, H., & Elahi Shirvan, A. (2012). Examining the effective factors on the implementation of the curriculum in the elementary school, *Conference of the Iranian Curriculum Planning Studies Association, Birjand*. Period 12. [Persian]
- Offorma, G. C. (2016). Integrating Components of Culture in Curriculum Planning. *International Journal of Curriculum & Instruction*, 8(1), 1-8.
- Otunga, R. N., & Nyandusi, C. (2009). *The context of curriculum development in Kenya*. Curriculum Development in Kenya.

- Poloie, L., & Farhadian, F. (2020). The Application of Educational Technology Components in the Main Sources of Curriculum Planning. *Management & Educational Perspective*, 2(1), 49-69. doi: 10.22034/jmep.2020.233969.1015. [Persian]
- Rahimi, B., & Dehghani, M. (2020). Explore the Nature of the Elements of the Community-based Curriculum Pattern on the Higher Education System Based on Meta-Synthesis Approach. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*, 11(21), 163-200. [Persian]
- Rahman, S. A., & Alwi, A. (2018). The Inclusion of Cultural Diversity in Higher Education Curriculum Design. *International Journal of Contemporary Educational Research*, 5(2), 87-94.
- Sabzian, F., Ismail, Z., Ismail, S. A. M. M., & Vajargah, K. F. (2013). An Evaluation of The Effectiveness of Teachers' Professional Development (TPD) in Iran using Akker Spider Web Model. *International Journal of Human Resource Studies*, 3(3), 1. [Persian]
- Safae Movahed, S. & Bavafa, D. (2012). Factors shaping the hidden curriculum in Iran's higher education: a self-mapping ethnography. *Two Quarterly Studies of Higher Education Curriculum*, 4(7), 30-57. [Persian]
- Stark, J. S. & Lattuca, L. R. (1997). *Shaping the College Curriculum: Academic Plans in Action*. Boston: Published by Allyn and Bacon.
- Stigler, & Hibbert, J. (1999) *The Educational Gap: The Best Ideas from Teachers Around the World to Improve Classroom Education*. Translation: Mohammadreza Sarkararani and Alireza Moghadam (1383) Tehran: Madrasah.
- Strauss, A. & Corbin, J. (1990). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*, Sage.
- Toombs, W., Tierney, W. (1992). *Meeting the Mandate: Renewing the College and Departmental Curriculum*, Eric Digest.
- Vakilian, M. (2013). Teaching methods and techniques (field of educational sciences). Published: Payam Noor University. [Persian]
- Wedell, M. (2009) *Planning for Educational Change Putting people and their contexts first*, The Continuum International Publishing Group Ltd, London
- Yarmohamedian, M. H. (2013). *Basics and principles of curriculum planning*. Tehran: Yadavare Kitab. [Persian]
- Zamani, A. (2016). Identifying, analyzing and prioritizing factors affecting the quality of education in higher education. *Innovation & Value Creation*, 6(11), 23-35. [Persian]